

## نامه به رهبر انقلاب در مورد حملات وسیع به نهضت آزادی ایران

حضرت مستطاب آیت‌الله امام خمینی

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مد ظله العالی

با تقدیم سلام و تمنای تندرستی و توفیق جنابعالی از درگاه الهی در پیشبرد اهداف حقه انقلاب اسلامی و با معذرت از تصدیع چند دقیقه‌ای، توجهتان را به نکاتی که ارتباط با مصالح ملت عزیز و جمهوری اسلامی ایران دارد، درخواست دارم.

یقیناً از نامه سرگشاده مورخ ۶۱/۶/۲۵ نهضت آزادی ایران برای حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و شدیدترین جنجال و حملات علیه آن در مجلس و مطبوعات و در خطبه‌های نماز جمعه به پا کردند استحضار یافته‌اید و امیدوارم متن کامل آن را شخصاً ملاحظه فرموده باشید. مذاکرات دوستانه‌ای از یک سال قبل با آقای هاشمی رفسنجانی راجع به مسایل مختلف کشور و مشکلات مردم داشته‌ایم و ایشان که در خطبه روز جمعه ۶ شهریور ماه صحبت‌های خصوصی فیما بین در زمینه نارضایتی‌ها را علنی کردند، آن نامه نوشته شد.

قسمتی از فرمایشات جنابعالی خطاب به آقایان ائمه جمعه مراکز استان‌ها در پنجشنبه ۶۱/۷/۲۲ را بعضی از روزنامه‌ها مربوط به مندرجات و نویسندگان نامه ما گرفته، بهره‌برداری سوء در جهت اغراض خودشان کرده‌اند. آنجا که فرموده بودید «ما الان مبتلا هستیم در داخل و خارج به یک سری نق زدن‌ها و این نق زدن‌ها از گرفتن اسلحه بر روی ما بدتر است که عده‌ای در گوشه و کنار نشسته و بیخ گوش یکدیگر به خرده‌گیری و اشکال‌تراشی می‌پردازند».

در جمع نهضت، چنین برداشتی دوستان نداشتند و محتویات آن نامه را از مقوله نق زدن نمی‌دانستند، حالت بیخ‌گوشی هم نداشته است. بلکه از شخص جنابعالی سپاسگزار شدند که بر خلاف جنجال‌گران و ستیزه‌جویان عنایت به این مطلب داشته‌اید که در حکومت اسلامی و در نظام عدالت علی جواب دادخواهی و پیام‌رسانی مردم گوش دادن است، نه تهمت و توهین یا تهدید و طلب مرگ.

مزاحم شدن بنده به وکالت از طرف نهضت نیز برای تشکر بود و همچنین جلب توجهتان به آثار گذشته و آینده این جریان، نه به خاطر خودمان بلکه به لحاظ مملکت و ملت و به لحاظ پیشرفت اسلام.

\*\*\*

به طوری که اطلاع دارید ما گذاشتیم مدعیان هر چه دل تنگشان می‌خواست بگویند و چه‌ها که نگفتند! البته چاره‌ای هم جز این نبود، چون در مجلس و در نمازهای جمعه نمی‌گذارند ما حرفی بزنیم، مطبوعات نیز رسمشان نیست که جواب‌های قانونی ما به اظهارات خلاف واقع و اتهام‌های ناروا را درج کنند، و هر شکایتی که به مراجع ذیربط و قانونی کرده‌ایم به جایی نرسیده است. بنابراین درددل خدمت رهبر آوردم که دلسوزترین و مؤثرترین مقام در مملکت هستید.

مگر نه این بود که در حساس‌ترین شرایط بحرانی کشور اینجانب و جمعی از دوستان بنا به وظیفه

دینی و ملی و بدون معجزه و انتظار پاداش، قبول مسئولیت نمودیم و چنان اعتماد و عنایت ابراز داشتید که در حقیقت یک پیمان مقابله خدمت و حمایت بود. اگر پیش جنابعالی سفرهٔ دلم را پهن نکنم و نگویم که چه ضربه‌ها به حقانیت، نیک‌فرجامی این حرکت، به وحدت ملت و به حیثیت اسلام زده شده و می‌شود، پیش چه کسی این کار را بکنم؟ دیگران هر چه می‌خواهند بگویند ولی می‌دانم که طبق اظهارات مکرر خصوصی و علنی و قوف کامل به صداقت و صمیمیت ما نسبت به آن پیمان و به وفاداری ما به مبانی اسلامی انقلاب و جمهوری، آنطور که همواره گفته و خواسته‌ایم، دارید. البته ترجیح می‌دادم این مطالب را حضوراً مطرح می‌کردم و ارتباطی که کمترین طمع و توقع شخصی و گروهی در آن نیست، برقرار می‌ماند.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا بهتر نبود اولاً مذاکرات خصوصی ما، در خطبه جمعه علیه ما عنوان نمی‌شد و پس از آن حضرات معترضین مطالب نامه جوابیه را با خودمان و احیاناً با حضور مسئولین در میان می‌گذاشتند، یا اگر اصرار بر افشای آن داشتند برای مردم عیناً می‌خواندند و هو به هو جواب معقول منطقی می‌دادند؟ هر جای آن که صحیح بود تصدیق و تعهد ترمیم می‌کردند و هر گفته را که ناصحیح می‌یافتند توضیح می‌دادند و ما و مردم را ارشاد می‌کردند. در این صورت علاوه بر آن که کمترین زیان در افکار عمومی و در سیاست دولت پیش نمی‌آمد این ادعا با درخشندگی جالبی در دنیا به اثبات می‌رسید که در نظام اسلامی ایران آزادی و عدالت و عطف حاکم بوده به حرف‌های انتقادکننده بدون جوسازی و اختناق رسیدگی می‌شود و ترتیب اثر می‌دهند و بنابراین تمام تبلیغات دشمنان در انکار آزادی و عدالت در ایران، کذب محض و خنثی می‌شد. و اگر از تذکر و انتقاد ما استقبال و تشکر هم می‌نمودند نورعلی‌نور شده خلق عالم به شکوهمندی معنوی انقلاب و به قدرت و کرامت جمهوری اسلامی آفرین می‌گفتند!

اما برادران نامهربان با هیاهو و هتاک و با ارباب و آزار سندن به دست اخلاگران داخل و دشمنان خارج دادند تا بگویند در ایران بعد از انقلاب ادب را با فحش، منطق را با تهمت و تحریف و هشدار و انتقاد را با تقاضای مرگ و تکفیر جواب می‌دهند! یا به فرمایش خودتان با چماق زبان که بدتر از چماق چوبی و آهن است.

حال باید دید در این میان چه کسان و چگونه اعمالی آبروی اسلام را می‌برند! نامه نهضت، که غرض از آن ارزیابی انقلاب نبود تا بد و خوب‌ها و همه جریان‌ها یک جا مطرح شود و انحصار به ایرادها و اعتراض‌ها داشت، در مجموع به تعداد خیلی محدود پخش شده جز معدودی شامل نمایندگان، متصدیان و آشنایان کسی خبر از آن پیدا نمی‌کرد. اما با گرد و غباری که به پا کردند و باز هم ادامه می‌دهند صدها هزار و شاید میلیون‌ها نفر در داخل و خارج آگاه از ماجرا و جویای آن شدند. اساس همه دعوای و بهانه تهدید و مرگطلبی‌ها به طور آشکار و خلاصه دو چیز بود:

۱) چرا صحبت از نارضایتی و زبان حال مردم عادی کرده‌اید؟ (۲) چرا به انتقاد و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اید؟ یعنی هیچکس حق ندارد در مملکتی که عظیم‌ترین تحول تاریخی خود را طی می‌کند و مردمی که تصمیم روی کشورشان و سرنوشتشان گرفته می‌شود حرفی غیر از آنچه گردانندگان می‌خواهند و می‌گویند بزنند. بنابراین برای انحراف موضوع، تهمت هوس روی کار آمدن مجدد و مطرح شدن نهضت را نقل کلام قرار دادند یا کهنه اختلافات و اتهام‌ها و جعلیات مربوط به زمان دولت موقت و

بعد از استعفا و حتی قبل از انقلاب را در گفته‌ها و نوشته‌ها ردیف کردند. اگر چه همین قدر که بعداً در بعضی از صحبت‌ها و خطبه‌ها و به قصد متقاعد ساختن مردم به ذکر دست‌آوردها و خدمات انقلاب شکوهمند پرداخته‌اند و می‌خواهند به دور از تلقینات و تبلیغات یکجانبه، خواسته‌ها و نظریات مردم را نیز مطرح نمایند ما خوشوقتیم و امیدواریم قرین صحت و عمل باشد.

معذک اگر حرف زدن و اختلاف‌نظر داشتن در این برهه از جمهوری اسلامی جرم است ما عرضی نداریم، عذر هم می‌خواهیم. بنده که در نامه مورخ ۵۹/۸/۲۶ از حضورتان استفسار کرده بودم که «اگر نگرانی و ایرادی داشته آزادی مشروع و مشروط بیان و قلم را مضر و ممنوع می‌دانید، سمعاً و طاعتاً، صریحاً بفرمایید... قول می‌دهیم چیزی نگوییم» ولی چیزی نفرمودید. بعداً نیز در اسفند ۵۹ در زمان انتشار روزنامه میزان که روزی به اتفاق آقایان دکتر سبحانی، دکتر یزدی و مهندس صباغیان به خدمتتان در جماران رسیده بودیم می‌فرمودید اختلاف در رأی و نظر داشتن و هم‌سلیقه نبودن عیب نیست و طبیعی و مجاز می‌باشد. مولای متقیان هم که در ایام خلافت ظاهری خود آن طور که در نهج‌البلاغه آمده است یکی از وظایف رعیت در برابر والی را راهنمایی کردن و ارایه ایراد و نصیحت دانسته‌اند. آیا علی با متقاضیان و شاکیان و معترضین این گونه عمل می‌فرمود؟

ما که در مسلمانی و ایرانی بودن خودمان شک و شبهه نداریم، هیچ آدم بی‌غرض آگاه هم از این بابت شک ندارد. زیرا که سوابقمان از پدر و مادر گرفته تا تحصیلات و اقامت در ایران و خارج و سپس مشاغل دولتی و روابط خصوصی و مبارزاتمان بحمدالله بر همه کس روشن است. ولی اقرار می‌کنیم که به لحاظ سیاسی و اسلامی بنا به مطالعات مستمر و تجربیات حضوریمان اختلاف عقیده و سلیقه با بعضی از افکار و اعمال و نسبت به رفتارهای رایج داریم. و باز حاضریم اگر بنا به موازین فقهی یا مصالح مملکتی اختلاف در عقیده و سلیقه گناه و خیانت محسوب می‌شود و مستوجب طرد و تبعید می‌باشد تن به آن بدهیم.

\*\*\*

آنچه در آن نامه از نارضایتی‌ها (که بر طبق قضاوت و شکایت خود مردم به عمل آمده و قید کرده بودیم که عامه ناس بیشتر به چیزهایی که موجود و محسوس است توجه دارند و ما، برخلاف تحریف‌ها و نسبت‌های سویی که آقایان دادند، همیشه ضرورت‌های انقلاب را گوشزد کرده‌ایم) و از نارسایی‌ها اشاره شده بود از دو حال خارج نیست. یا خلاف واقع و نادر کالمعدوم بوده است و یا کثرت و واقعیت داشته توسعه و تشدید آنها ضربه‌های مهلک به نظام و انقلاب می‌زند. در حالت اول رسوایی دروغ خود به خود دام‌گیر ما می‌شود و به حکم این که چراغ کذب را نبود فروغی، اثر و ضرر قابل‌ذکری بر آن مترتب نمی‌گردد. اما اگر حتی قسمتی از هشدارها مثلاً در مورد بعضی از قراردادهای خارجی، درست باشد خدا می‌داند که عدم اطلاع و بی‌اعتنایی مسئولین کار به کجا خواهد کشاند! در هر صورت بسیاری از عکس‌العمل‌های مشهود به نظر ما و اهل نظر دور از عدالت و مصلحت بوده است.

ایراد تکراری و تهدید آقایان را هم که عنوان نمودن نارسایی‌ها و نارضایتی‌ها در مملکت و زبان به اعتراض و انتقاد گشودن آب به آسیای امریکای جهان‌خوار ریختن و تضعیف دولت و ملت کردن است، به هیچوجه قبول نداریم. انقلاب و جمهوری اسلامی ما به شکر خدا چنان ریشه‌دار است و استقرار یافته که بیدی نیست که از این باده‌ها بلرزد. با بیش از دو سال ایستادگی بی‌سابقه در تاریخ ۲۵۰۰ ساله و پیروزی‌های قاطع در برابر ارتش نیرومند عراق که از پشتیبانی بی‌دریغ امریکای جنایتکار و روسیه

تجاوزگر برخوردار است و استوار شدن بعد از هر انفجار و شهادت، اشتباه بزرگی است که گفته شود طرح داخلی مصائب و مشکلات و بررسی اختلافات و اشتباهات سستی در پایه و بیکر آن بیاورد و سالم‌تر و برومندترش نکند. نگرانی از دست‌آویز کردن تبلیغات دشمنان نیز بی‌مورد بوده عکس قضیه صحیح است. یعنی در سایه سلب آزادی‌ها و در انحصار گرفتن اختیارات و تبلیغات است که همیشه و همه جا انحراف از عدالت و سقوط به هلاکت پیش می‌آید. مگر کسی می‌تواند ادعا کند که مسئولین امور و گردانندگان فعلی تماماً از عقل‌کل‌ها، معصوم‌های بالفطره یا مصون‌های از جهل و غرض هستند که ملامت و دلالت آن‌ها خطا و خیانت باشد؟ در شرایط بعد از پیروزی انقلاب پویای پرتوان ما مسئولین مملکت عموماً تازه‌کار و کم‌سابقه در امور بوده مشکلات و مسائل نیز ابعاد بی‌سابقه دارد بنابراین طبیعی است که با فرض حسن‌نیت باز هم دچار خطا و سر در گمی شوند. از طرف دیگر در شرایط جنگی و بحران‌ها است که هم‌آهنگی و مشارکت همه قشرها ضرورت بیشتر پیدا می‌کند و شرط توفیق، توجه به ناراضایتی‌ها و نظریات می‌شود. در غیر این صورت، خصوصاً در برنامه‌های خطیر طول‌المدت عقده‌ها زهرآلود و سد راه می‌گردد و حرب‌های مؤثر به دست خصم می‌افتد.

\*\*\*

نابسامانی و ناراضایتی‌هایی که در آن نامه اشاره شده بود اولاً منحصر و مرتبط به عوارض جنگ که در همه انقلاب‌ها وجود دارد نبود و بعضاً ناشی از سیاست‌های اتخاذی و رویه و رفتارها است. ثانیاً واقعیت و شیوع دارد. خود جنابعالی و آیت‌الله منتظری بارها از طریق مطلعین باشهامت و مشاوران باصداقت یا از گزارش بازرسان مورد اعتماد آگاهی به خطاهای زیانبار و خشونت‌ها و خلاف شرع‌ها استحضار و نگرانی یافته‌اید و دستورهایی صادر فرموده‌اید و گاهی در سخنرانی‌ها یا اعلامیه‌ها اظهارهایی داده‌اید. باز هم جا دارد در لباس مبدل بی‌سروصدا و هیأت ناشناس، افراد هوشمند حقیقت‌جویی به داخل طبقات مردم و مخصوصاً شهرستان‌ها فرستاده شوند تا معلوم گردد که خستگی‌ها و شکوه‌ها و ظرفیت‌ها در آشکار و نهان به چه پایه رسیده است. نظر مردم نسبت به مسئولین و مأمورین متعلق به صفوف مختلف و نسبت به جوانانی که اعتقاد و افتخار به تندی و تلخی دارند نیز بررسی شود.

\*\*\*

راجع به تحریف‌های نامه سرگشاده مورخ ۶/۶/۲۵ و در جواب حمله‌ها و تهمت‌ها که احتیاج به بحث جداگانه دارد تصدیق نمی‌دهم و ذیلاً به فهرست عمده این اتهام‌ها اکتفا می‌نمایم: (۱) مخالفت ما با دفاع از استقلال مملکت و از حریم انقلاب و حفاظت مسئولین (۲) پیشنهاد خودداری از قصاص شرعی و از قتل و دفع قاتلین و مفسدین (۳) تمایل به عقب‌نشینی در جنگ و تسلیم ایران به دشمن سفاک (۴) اعتقاد و اصرار به آزادی فحشا و فساد و تجاوز به جامعه و افراد (۵) تحقیر روح ایثار و شهادت و انکار دست‌آوردهای انقلاب (۶) علاقمندی به سازشکاری و به پیروزی امریکا ....

و در پایان به عنوان چاشنی کلام ما را تهدید به دادگاه انقلاب و به اعدام می‌نمایند و طرفدارانشان را تحریک به قتل ما! آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است. ما از محاکمه‌ای که در سایه معیارهای صحیح قضای اسلامی و با رعایت قانون اساسی صورت بگیرد استقبال می‌نماییم. زندان رفته‌ها و محاکمه شده‌های نظام طاغوت هستیم. حال هم اگر به شهادت برسیم کفاره سیئاتمان و مایه سعادت و نجاتمان خواهد بود. ولی دنیای حاضر و تاریخ آینده نیز قضاوت کرده خواهند گفت، در جمهوری اسلامی

ایران عده‌ای را که از سابقه‌دارترین و آگاه‌ترین خدمتگزاران ایران و اسلام و از پایه‌گزاران انقلاب بودند به تلافی اعلام نظریات و شکایات مردم و به جرم دلسوزی و دلالت اعدام کردند.

به هر حال اگر با تهمت و هتک حرمت از ما، آنطور که در خانه ملت و حریم شورای اسلامی متداول کرده‌اند، با اخراجمان از مجلس و مملکت و یا تعطیل نهضت، مشکلات دولت و مسایل انقلاب حل می‌شود و بالتجیه صدام و ریگان و بگین و تاچر از بین خواهند رفت، قبلاً هم گفته‌ایم که ما با کمال میل پذیرای آن هستیم.

آنچه باید در خاتمه عرایض اضافه نموده عذر مجدد از تطویل کلام بخواهم این است که آتش‌بیاران کینه‌توز علیه نهضت آزادی و دولت موقت بعد از همه زور و ورزش‌ها آنگاه که موفق شوند ما را ضدانقلابی‌های مهره‌چین امریکا و جنایتکاران مزدور جا بزنند دست آخر آیا به جایی غیر از این خواهند رسید که ثابت کنند انقلاب اسلامی ایران از بنیان قلبی است و ساخته و خواسته اجنبی؟... و امام که این افراد را با اعتماد و سلام و صلوات دست‌چین و بر کارهایشان نظارت کردند بی‌اطلاع و بی‌صلاحیت بوده‌اند، یا از همان منشاء و قماش! آیا این داستان همان ادعا و تلاشی نیست که کتاب‌های منتشر شده اخیر اروپا و امریکا برای اثبات این که انقلاب اسلامی ایران پیش‌پرداخته طراحان انتیلیجنت سرویس و سیا می‌باشد و این حضرات دانسته یا ندانسته مأموران اجرای همین نقشه می‌باشند؟

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیرالفاطحین

با سلام و امتنان

دبیرکل نهضت آزادی ایران

مهدی بازرگان